



دانشگاه گیلان

مجله پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل

جلد هفدهم، شماره اول، ۱۳۸۹

www.gau.ac.ir/journals

تعیین شاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

* نعمت‌ا... محبی^۱، مجید عزیزی^۲، علی فتح‌الله زاده^۳ و رحیم محبی‌گرگری^۴

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم و صنایع چوب و کاغذ، دانشگاه تهران، دانشیار گروه علوم و صنایع چوب و کاغذ،

دانشگاه تهران، ^۲ دانشجوی دکتری علوم و صنایع چوب و کاغذ، دانشگاه تهران،

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و صنایع چوب و کاغذ، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۴

چکیده

صنعت تولید مبلمان در جهان در حال رشد است. هر کشوری که بتواند تولیدات مبلمان خود را با این بازار بزرگ بین‌المللی پیوند بزند تحول بزرگی در بخش صنعت چوب خود به وجود خواهد آورد. هدف از این مطالعه تعیین شاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان کشور به روش تصمیم‌گیری گروهی می‌باشد. برای این منظور پس از مطالعات اولیه و مصاحبه با تعدادی از صاحبان صنایع مبلمان و کارشناسان مرتبط، شاخص‌های تأثیرگذار به ۶ گروه اصلی و ۲۹ زیرشاخص تقسیم شدند. درجه اهمیت شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها پس از اخذ نظرات کارشناسان با فرآیند تحلیل سلسله مراتبی تعیین شد. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی و قوانین و مقررات در سطح اصلی دارای بالاترین ارزش وزنی می‌باشند. همچنین از بین ۲۹ زیرشاخص تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان کشور، افزایش ثبات اقتصادی در کشور، تنظیم تعرفه واردات مبلمان و مصنوعات چوبی، توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان، ایجاد فضای رقابتی در صنعت، توسعه صنایع جانبی و تنظیم تعرفه واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات به ترتیب با ارزش وزنی ۰/۰۸۷، ۰/۰۶۷، ۰/۰۵۵ و ۰/۰۵۵ دارای بالاترین اهمیت‌ها می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: شاخص، تصمیم‌گیری گروهی، فرآیند سلسله مراتبی (AHP)، ارزش وزنی، صنعت مبلمان

* مسئول مکاتبه: mohebbi.nemat@yahoo.com

مقدمه

در حال حاضر صنعت تولید مبلمان و مصنوعات چوبی به یکی از مهم‌ترین شاخه‌های صنعتی مولد اشتغال و ثروت در درون کشورهای در حال توسعه و نیز یکی از شاخه‌های مهم تجارت بین‌الملل تبدیل شده است. رشد و توسعه این صنعت می‌تواند به‌عنوان موتور توسعه بخش عظیمی از صنایع مرتبط و وابسته مبلمان یک کشور عمل کند و تأثیر به‌سزایی در افزایش تولید ناخالص داخلی آن کشور داشته باشد. سهم ایران از تجارت جهانی مبلمان فقط ۰/۰۲ درصد می‌باشد، به‌عبارت دیگر به ازای هر ۱۰۰۰۰ مبلمانی که در سطح دنیا صادر می‌شود فقط ۲ میل ایرانی وجود دارد (اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری، ۲۰۰۹). صنعت مبلمان کشور با وجود پتانسیل‌های بالا هنوز به توسعه‌ای شایسته و کافی نرسیده و به‌دلیل مشکلات مختلف جایگاه واقعی خود را در بازارهای جهانی پیدا نکرده است. نبود نقدینگی کافی در این صنعت، ارائه نشدن تسهیلات بانکی و مالیاتی مناسب برای تولیدکنندگان، دسترسی نداشتن به ماده اولیه مرغوب و ارزان قیمت، حجم بالای واردات و عرضه مستقیم آن در بازار، قیمت تمام شده بالای محصول و قوانین نادرست نیروی کار (اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری، ۲۰۰۹) از جمله مشکلاتی است که سبب شده صنعت مبلمان کشور نتواند جایگاه واقعی خود را در منطقه و همچنین در بازارهای جهانی پیدا کند. فتح‌الله‌زاده و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی وضعیت بازرگانی خارجی مبلمان ایران، نبود سیاست پایدار در قبال تولید، ارائه نشدن تسهیلات مالی مناسب از سوی بانک‌ها به تولیدکنندگان، فرسودگی ماشین‌آلات و نبود نیروی انسانی متخصص کافی را عمده مشکلات بخش تولید صنعت مبلمان کشور معرفی کردند. امیری (۲۰۰۸) با بررسی صنعت چوب و مبلمان کشور، دلایل تنزل صادرات مبلمان را رعایت نکردن کنترل کیفیت در محصولات صادراتی، رقابت منفی صادرکنندگان در کاهش قیمت، نبود آگاهی یا تخصص در زمینه صادرات و وجود رقبای قدرتمند در بازارهای هدف می‌داند. آرین (۲۰۰۷) معتقد است که وجود تشکل‌ها و اتحادیه‌های تخصصی قوی در زمینه مبلمان می‌تواند با ایفای نقش‌های مختلف از جمله آموزش و ترویج، تحقیق و توسعه، استانداردسازی، لابی با دولت و مسئولیت‌های اجتماعی نقش به‌سزایی در توسعه و رشد صنعت مبلمان کشور داشته باشد. راتنازینگام و لوراس (۲۰۰۳) با بررسی پایداری صنعت مبلمان چوبی در آسیا به این نتیجه رسیدند که فاکتورهای آزادسازی

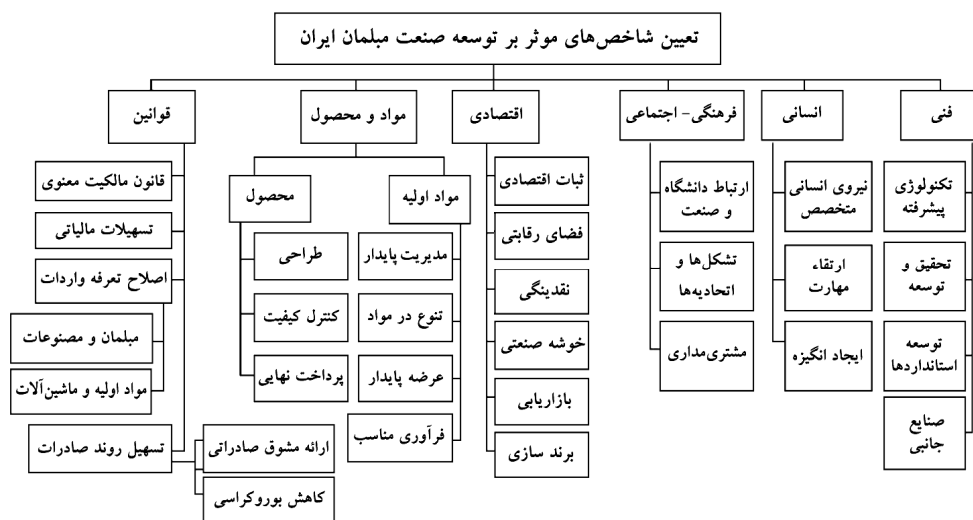
اقتصادی، افزایش فعالیت‌های تحقیق و توسعه، توسعه خوشه‌های صنعتی، تأمین نیروی کار متخصص و افزایش ارزش افزوده محصولات از طریق بازاریابی و طراحی، از جمله عواملی هستند که باعث توسعه هر چه بیشتر این صنعت در آینده خواهند شد. همچنین در پژوهش دیگری راتنازینگام (۲۰۰۵) با بررسی علل وجود اختلاف فاحش میان ارزش افزوده مبلمان تولید شده در کشورهای توسعه یافته و پیشتازی مانند ایتالیا، ایالات متحده، آلمان در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و تازه واردی مانند چین، مالزی، برزیل و نشان می‌دهد که "صنایع جانبی توسعه یافته و قدرتمند"، در کنار فاکتورهایی نظیر قدرت طراحی، مهارت فنی نیروی کار و قدرت بازاریابی از دلایل عمده بالاتر بودن ارزش افزوده مبلمان تولیدی در کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شوند. گازو (۲۰۰۵) دلایل عمده موفقیت صنعت مبلمان چین را هزینه‌های پایین نیروی انسانی، بازاریابی قوی، حمایت‌های دولتی، خوشه‌های صنعتی مبلمان، تنوع و نوآوری در طراحی و دسترسی آسان به مواد خام بیان می‌کند. مؤسسه آیس کوالالامپور^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی، از فاکتورهای مؤثر در رشد و موفقیت صنعت مبلمان مالزی به مدیریت صحیح منابع طبیعی، دسترسی به ماده خام فراوان، سرمایه‌گذاری بر روی فعالیت‌های پژوهش و توسعه در زمینه فنون و تکنولوژی تولید و سیاست‌های انگیزشی دولت در زمینه تولید اشاره می‌کند. گوپتا و سابرامانیا (۲۰۰۸) معتقدند که با توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان، اعضای آن می‌توانند از مزایایی همچون هم‌افزایی قدرت جذب مشتری، کاهش سرانه هزینه تبلیغات، استفاده از پشتیبانی و خدمات مستقر در نزدیک‌ترین منطقه ممکن همراه با سرانه هزینه کمتر و فراهم آمدن زمینه تشکیل اتحادیه‌های صنفی برای سازماندهی و ارتقاء سطح همکاری در آینده بهره‌مند شوند و بیان می‌کنند این خوشه‌ها نقش به‌سزایی در توسعه صنعت مبلمان دارند. در خصوص بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۲ در فرآیندهای تصمیم‌گیری، عزیزی (۲۰۰۸) از این روش به‌منظور تعیین شاخص‌های مؤثر در خصوص تصمیم‌گیری برای انتخاب مدیر تولید کارخانه مبلمان استفاده کرد. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، یک روش تصمیم‌گیری گروهی است که اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط توماس ال ساعتی ابداع گردید و در تصمیم‌گیری‌هایی که دارای شاخص‌های کیفی و کمی می‌باشند مورد استفاده

1. Ice Kualalampur
2. Analytical Hierarchy Process

قرار می‌گیرد. از مزایای مهم این روش این است که به گونه‌ای تصمیم‌های تمام اعضای گروه را با هم ترکیب می‌کند که تصمیم بهینه، در بر گیرنده آراء همه اعضا باشد (معماریانی و آذر، ۱۹۹۵).
با توجه به مطالب یاد شده این پرسش مطرح است که مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان کشور کدامند؟ فرضیه این پژوهش عبارت است از: افزایش ثبات اقتصادی در کشور، ایجاد خوشه‌های صنعتی و اصلاح تعرفه واردات جزو مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان کشور می‌باشند. هدف از این مطالعه تعیین شاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان کشور می‌باشد.

مواد و روش‌ها

مواد: مرحله اول این پژوهش به صورت مطالعه میدانی انجام شد. به این ترتیب که به منظور تعیین شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان کشور، ضمن مطالعه منابع موجود، با تعداد زیادی از کارشناسان و متخصصان، تولیدکنندگان بزرگ و اعضای اتحادیه‌های مبلمان مصاحبه حضوری و تلفنی صورت گرفت. سپس با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه، شاخص‌های مؤثر اصلی بر توسعه صنعت مبلمان به ۶ گروه کلی فنی، انسانی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، مواد و محصول و قوانین و مقررات تقسیم شدند و ۲۹ زیر شاخص نیز در این ۶ گروه قرار گرفتند (شکل ۱).



شکل ۱- سلسله مراتب شاخص‌ها و زیرشاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان کشور.

توضیح بعضی از شاخص‌ها در این قسمت ارائه می‌گردد:

توسعه استانداردهای مبلمان: با گسترش استفاده از استانداردهای ساخت و تولید مبلمان و اجباری کردن برخی از این استانداردها می‌توان از عرضه مبلمان بدون کیفیت در داخل و خارج جلوگیری کرد (آرین، ۲۰۰۷).

افزایش ثبات اقتصادی در کشور: منظور تلاش در جهت حفظ آرامش در فضای اقتصادی و تصمیمات اتخاذ شده جهت آماده کردن شرایط برای سرمایه‌گذاری در این صنعت می‌باشد. در این خصوص براساس نظرسنجی بانک جهانی، مهم‌ترین مانع کسب و کار در ۲۶۰۰۰ شرکت از ۵۳ کشور در حال توسعه بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری و در نتیجه نبود ثبات اقتصادی عنوان شده است (میدری، ۲۰۰۶).

توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان در کشور: منظور از خوشه صنعتی تمرکز جغرافیایی مجموعه‌ای از صنایع کوچک، تشکل‌ها و بنگاه‌های خدماتی مربوط به یک رشته صنعتی خاص در یک مکان می‌باشد. خوشه‌های صنعتی به‌واسطه تقسیم کار تخصصی، همکاری بین صنایع، یادگیری تعاملی و سایر اموری که برای رقابت‌مند شدن صنایع لازم است می‌توانند الگوی مناسبی برای توسعه صنعتی محسوب گردند (مهرپویا و مجیدی، ۲۰۰۴).

برندسازی مبلمان ایرانی: برندسازی مبلمان ایرانی به این معناست که با الهام از عناصر پایه‌ای در معماری ایرانی مثلاً ایران باستان و یا استفاده از فرش ایرانی در مبلمان سبک جدیدی از مبلمان را ابداع و به نام سبک مبلمان ایرانی به بازارهای جهانی عرضه کرد. این ایده در صورت موفقیت می‌تواند به یک شاخص مثبت اقتصادی تبدیل شود (اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری، ۲۰۰۸).

توجه جدی به قانون مالکیت معنوی: این قانون شامل مقرراتی است که حق بهره‌برداری مادی از یک فعالیت نو و مبتکرانه را ایجاد می‌کند و آن را مورد حمایت قرار می‌دهد. اجرای واقعی این قانون باعث حمایت از ایده‌های جدید بومی در طراحی محصول و حفاظت از برندسازی تجاری مبلمان می‌شود.

کاهش بوروکراسی گمرک: منظور از این شاخص تقلیل تشریفات موجود در فرآیند صادرات کالا و همچنین تعیین متولی خاص برای بهبود صادرات مبلمان کشور می‌باشد.

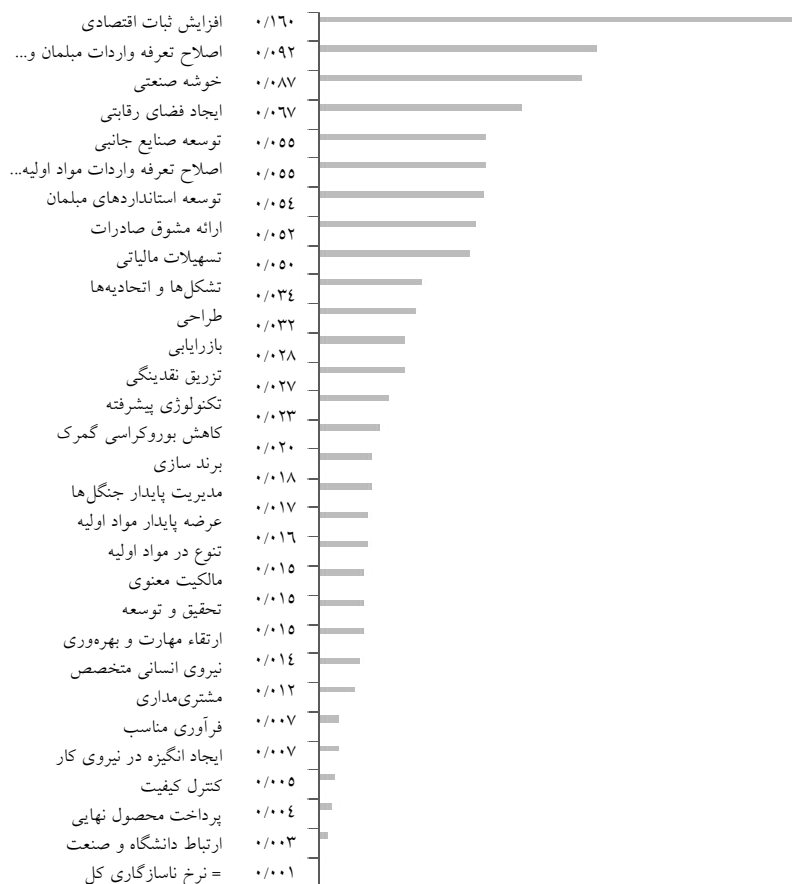
روش‌ها: پس از مصاحبه با کارشناسان و تولیدکنندگان مبلمان و شناسایی شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان کشور، به‌منظور اولویت‌بندی و تعیین درجه اهمیت (ارزش وزنی) هر یک از آنها، پرسش‌نامه‌ای جهت مقایسه زوجی این معیارها و زیرمعیارها با یکدیگر طرح و بین ۲۰ نفر از کارشناسان دانشگاهی، اعضای اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری و همچنین مدیران با تجربه در صنعت چوب توزیع گردید و نظرات اخذ شده در محیط نرم‌افزار اکسپرت چویس ۱۲۰۰۰ پردازش شدند. پس از پردازش اطلاعات، نتایج به‌دست آمده در خصوص اهمیت شاخص‌ها به‌منظور سنجش اعتبار آنها، دوباره در اختیار تعدادی از کارشناسان (۵۰ درصد کارشناسانی که پرسش‌نامه پر کردند و ۵۰ درصد کارشناسان جدید) قرار گرفت و در این خصوص ۹۰ درصد کارشناسان با نتایج به‌دست آمده در مورد نتایج به‌دست آمده موافق و هم نظر بودند.

نتایج

ارزش وزنی هر یک از معیارها و زیرمعیارهای تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان کشور که حاصل تصمیم‌گیری گروهی توسط کارشناسان مرتبط با این صنعت می‌باشد در این قسمت ارائه می‌گردد (شکل ۲ و ۳).



شکل ۲- میانگین هندسی ماتریس‌های مقایسه‌ای برای شاخص‌های اصلی نسبت به هدف مطالعه.



شکل ۳- نتیجه نهایی وزن زیرشاخص‌های مؤثر بر توسعه صنعت مبلمان ایران.

بحث و نتیجه‌گیری

نرخ ناسازگاری^۱ کلی ماتریس‌ها با توجه به نتایج به‌دست آمده ۰/۰۱ می‌باشد که مشخص می‌کند نتایج از ثبات و سازگاری بالایی برخوردار هستند. نتایج نشان می‌دهد که در میان شاخص‌های اصلی، شاخص‌های اقتصادی و قوانین و مقررات دارای بالاترین اولویت‌ها می‌باشند. از سوی دیگر از میان زیرشاخص‌های تأثیرگذار، زیرشاخص افزایش ثبات اقتصادی در کشور نسبت به سایر زیرشاخص‌ها دارای برتری چشم‌گیری است که نشان می‌دهد تأثیر به‌سزایی بر توسعه صنعت مبلمان کشور دارد.

1. Inconsistency Ratio

زیرشاخص‌های اصلاح تعرفه واردات مبلمان و مصنوعات چوبی، توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان و ایجاد فضای رقابتی در صنعت، توسعه صنایع جانبی و تنظیم تعرفه واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات پس از شاخص افزایش ثبات اقتصادی دارای بالاترین اولویت هستند. علل اهمیت بالای هر کدام از زیرشاخص‌های یاد شده به شرح زیر می‌باشد.

افزایش ثبات اقتصادی (۰/۱۶۰): سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نیازمند امنیت مالی برای سرمایه‌گذار می‌باشد. مطابق نظرات کارشناسان و تولیدکنندگان مبلمان، در حال حاضر به دلایلی همانند بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و حقوق گمرکی، وضعیت نامشخص و ناپایدار صادرات و واردات و در نتیجه نبود امنیت مالی و برگشت سرمایه، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در کشورهای دیگر و یا در فعالیت‌های واسطه‌گری که ریسک کمتری دارد سرمایه‌گذاری کنند. در یک کشور در حال توسعه مانند ایران ایجاد ثبات اقتصادی دائمی و یا برای مدت طولانی امکان‌پذیر نمی‌باشد، بنابراین سرمایه‌گذاری در صنعتی مانند مبلمان که محصول نهایی آن از ضروریات زندگی مردم هم نیست از نظر سرمایه‌گذار ریسک بالایی دارد. در این‌جا دولت می‌تواند با اجرای راه‌کارهایی مثل پشتیبانی تولید با وام‌ها و بیمه‌های مفید و طولانی‌مدت برای سرمایه‌گذاران، رعایت عدالت مالیاتی یا معافیت‌های مالیاتی، کنترل دقیق صادرات و واردات مبلمان و کنترل قیمت‌ها موجبات تمایل سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را در این صنعت مهیا کند. مطابق بررسی بانک جهانی نیز بی‌ثباتی اقتصادی یکی از عوامل مهم بر توسعه نیافتن صنایع مختلف شناخته شده است (میدری، ۲۰۰۶).

تنظیم تعرفه واردات مبلمان و مصنوعات چوبی (۰/۰۹۲): در حال حاضر افزایش بی‌رویه واردات مبلمان ارزان‌قیمت و در واقع بی‌کیفیت به‌خصوص از کشور چین بازار تولیدکنندگان مبلمان داخل را به رکود کشیده است (اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری، ۲۰۰۹)، به‌طوری‌که با ادامه این روند در آینده نه‌چندان دور شاهد تعطیلی تعداد واحدهای تولیدی بیشتری در این صنعت خواهیم بود. تعرفه‌هایی که گمرک ایران برای واردات مبلمان دریافت می‌کند به هیچ وجه با ساختار تولید داخل سازگاری ندارد، چرا که حق ورودی گمرکی تخصیص یافته مبلمان بر اساس وزن کالا و بدون در نظر گرفتن جنبه‌های کیفی و هنری تعیین‌کننده ارزش واقعی مبلمان می‌باشد (مجله چوب و کاغذ، ۲۰۰۹). تنظیم این تعرفه باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر ایجاد حس رقابت بیشتر برای تولیدکنندگان داخل منجر به از دست رفتن بازار از دست آنها نگردد.

خوشه‌های صنعتی مبلمان (۰/۰۸۷): در این میان می‌توان به خوشه‌های مبلمانی که به‌طور عمده در نقاط مختلفی از شهرهای تهران (منطقه یافت‌آباد، منطقه دلاوران، منطقه جاجرد)، مشهد و قم قرار دارند اشاره کرد. اگرچه در این گروه از خوشه‌ها سطح رقابت میان اعضا در سطحی بالا و میزان همکاری و تشریک مساعی میان آنها در سطحی پایین قرار دارد اما بهره‌گیری از هم‌افزایی قدرت جذب مشتری، کاهش سرانه هزینه تبلیغات و ارتقاء سطح همکاری در آینده از جمله منافع است که اعضای موجود در این خوشه‌ها می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. بی‌تردید با انجام سازماندهی بر روی خوشه‌های سنتی موجود بر اساس مدل‌ها و تجربیات آزموده شده در کشورهای صاحب سبک در ایجاد و بسط خوشه‌های مبلمان نظیر ایتالیا و نیز طراحی و ایجاد خوشه‌های مدرن مبلمان در مناطق مستعد کشور، این امکان فراهم خواهد شد تا واحدهای کوچک تولیدی با دستیابی به مزیت مقیاس در بخش‌های خرید مواد اولیه، تیراژ تولید، توان حضور در بازارهای بزرگ (ملی و جهانی) و نیز کاهش هزینه در زمینه‌های بهره‌گیری از تکنولوژی و زیرساخت‌های پر هزینه، بازاریابی و ریسک سرمایه‌گذاری تداوم حیات و رشد و توسعه خود را تضمین نمایند. مهربویا و مجیدی (۲۰۰۴) نیز معتقدند خوشه‌های صنعتی می‌تواند الگوی مناسبی برای توسعه صنعتی محسوب گردد. راتنازینگام و لوراس (۲۰۰۴) معتقدند که صنعت مبلمان تایوان قادر است به‌رغم افزایش هزینه‌های تولید، موقعیت خود را به‌عنوان یکی از صادرکنندگان بزرگ در دنیا حفظ کند که علت آن را در ساختار متفاوت تولید مبلمان در تایوان یعنی خوشه‌های صنعتی مبلمان می‌دانند. گوپتا و سابرامانیان (۲۰۰۸) نیز خوشه‌های صنعتی را الگوی مناسبی برای توسعه صنعت مبلمان معرفی می‌کنند.

ایجاد فضای رقابتی در صنعت مبلمان (۰/۰۶۷): ایجاد جو رقابتی در بین تولیدکنندگان نوعی مکانیزم اقتصادی است که در درازمدت باعث بهره‌وری بیشتر در واحدهای تولیدی می‌شود. در صورت وجود رقابت در بازار تولیدکنندگان واقعی برای بقاء خود، در بالا بردن کیفیت، افزایش تولید به‌منظور کاهش هزینه‌ها و در نهایت کاهش قیمت تلاش خواهند کرد که این هم به نفع مصرف‌کننده و هم در توسعه صنعت مبلمان مؤثر است. از سیاست‌های ایجاد فضای رقابتی در صنعت مبلمان می‌توان به تدوین و اعمال قانون انحصار مالکیت معنوی (کپی رایت) در طراحی مبلمان، تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این صنعت، توسعه خوشه‌های صنعتی، واردات مبلمان با کیفیت و لحاظ کردن تعرفه مناسب، حمایت از برندسازی، و اعمال قوانین حمایت از مصرف‌کننده اشاره کرد.

توسعه صنایع جانبی (۰/۰۵۵): به‌طور کلی صنایع جانبی مانند صنایع تولید یراق‌آلات فلزی و پلیمری، رنگ و رزین، نساجی، شیشه‌سازی، واحدهای تولید چرم (طبیعی و مصنوعی) از جمله صنایعی محسوب می‌شوند که در کنار صنایع تأمین مواد اولیه چوبی، در زمینه‌های افزایش ظرفیت طراحی، ارتقاء ارزش افزوده، افزایش دامنه تنوع محصول و بالاخره ارائه آمیزه یا ترکیب مناسبی از محصول در صنایع تولید مبلمان چوبی نقش بسیار موثری بازی می‌کنند. در این زمینه باید توجه داشت که از دیدگاه علوم بازاریابی توان مدیریتی یک واحد تولیدی در زمینه طراحی و تدوین آمیزه محصول از جمله فاکتورهای کلیدی است که موفقیت شرکت در یک بازار رقابتی و دستیابی به بازدهی بیشتر را رقم می‌زند (کاتلر و کلر، ۲۰۰۹) و در زمینه صنایع تولید مبلمان توان مدیریت در زمینه طراحی و تدوین آمیزه محصول تا حد زیادی تحت‌تأثیر کمیت و کیفیت محصولات صنایع جانبی قرار دارد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که وجود صنایع جانبی و گسترش کمی و کیفی این گروه از صنایع به درستی از فاکتورهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر توسعه صنعت مبلمان یک کشور محسوب می‌شوند. رانتازینگام (۲۰۰۵) نیز صنایع جانبی قدرتمند مرتبط با صنعت مبلمان را یکی از فاکتورهای مؤثر در رشد و توسعه این صنعت می‌داند.

اصلاح تعرفه واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات (۰/۰۵۵): اولین گام برای رسیدن به تولید با کیفیت و در نتیجه توسعه صادرات مبلمان دسترسی کافی به مواد اولیه مرغوب و مقرون‌به‌صرفه می‌باشد. بنابراین از یک سو با توجه به کمبود مواد اولیه مناسب و ارزان قیمت مورد نیاز صنعت مبلمان کشور و از سوی دیگر بالا بودن قیمت تمام شده محصول نهایی مبلمان داخلی که یکی از دلایل آن قیمت بالای مواد اولیه می‌باشد (اتحادیه صادرکنندگان مبلمان منزل و اداری، ۲۰۰۹)، سیاست کاهش تعرفه واردات مواد اولیه منجر به کاهش قیمت تمام شده مبلمان خواهد شد که این امر باعث افزایش توان رقابت مبلمان تولید داخل با مبلمان وارداتی خواهد شد. همچنین با کاهش تعرفه واردات ماشین‌آلات می‌توان گامی مؤثر در نوسازی فن‌آوری تولید برداشت.

در نهایت می‌توان گفت با توجه به نتایج حاصل از کاربرد روش AHP در این پژوهش، شاخص‌های افزایش ثبات اقتصادی در کشور، اصلاح تعرفه واردات مبلمان و مصنوعات چوبی، توسعه خوشه‌های صنعتی مبلمان، ایجاد فضای رقابتی، توسعه صنایع جانبی و تنظیم تعرفه واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات به‌ترتیب با بالاترین ارزش‌های وزنی نسبت به سایر شاخص‌ها تأثیر بیشتری بر توسعه صنعت مبلمان کشور دارند. همچنین فرضیه این پژوهش که در مقدمه مطرح شده بود پذیرفته می‌شود.

منابع

1. Amiri, H. 2008. Status of furniture and wood industry in Iran. Iran paper, furniture and wood industries magazine, 18: 24-26.
2. Arian, A. 2007. Effect of Unions on Iran Furniture Industry Guidance: 15-20. The First Scientific-Functional Seminar "Development of Iran Furniture and Decoration Industry". Senobar Press.
3. Azizi, M. 2008. Determination of the effective criteria for production manager selection in furniture industry. J. Iran. Natu. Reso., 61:4. 975-987. (In Persian)
4. Fathollahzade, A., and Amiri, S., Doost Hosseini, K., and Faezipoor, M. 2006. A Study of International Trade of Furniture In Iran Case. J. Iran. Natu. Resour. 58: 4. 237-248. (In Persian)
5. Gazo, R. 2005. A review of competitive strategies of furniture manufacturers. Fore. Prod. J. 55: 10. 66-73.
6. Gupta, V., and Subramanian, R. 2008. Seven perspectives on regional clusters and the case of Grand Rapids office furniture city. Inter. Busi. Rev. J. 17: 371-384.
7. Home and Office Furniture Union. 2008. The Bulletin of Home and Office Furniture Union, A look at export hall of the 18st international exhibition of Hofex, 50p. (In Persian)
8. Home and Office Furniture Union. 2009. The Bulletin of Home and Office Furniture Union, A look at expert hall of the 18st international exhibition of Hofex, 50p. (In Persian)
9. Ice Kualalampur. 2008. General Overview of the Wood Industry in Malaysia, <http://www.ice.it/paesi/asia/Malaysia/woodworking.pdf>.
10. Iran Wood, Furniture & Paper Industry MAG. 2009. 44: 30-32.
11. Mehrpouya, A., and Majidi, J. 2004. External economies and cooperation in industrial district: a comparison of Italy and Mexico, Ghazal Publication, 326p. (In Persian)
12. Memariani, A., and Azar, A. 1995. AHP, A new technic for group decision making. Science of Management, 22: 28-32.
13. Mideri, A. 2006. Assessing laws and regulations in Iran: Necessities and Recommendations. <http://nokhbeh.ir/newnokhbeh>.
14. Ratnasingam, J., and Loras, F. 2003. The sustainability of the Asian wooden furniture industry. Holz als Roh-und Werkstoff, 61: 233-237.
15. Ratnasingam, J. 2005. The Asian furniture industry: the reality behind the statistics. Holz als Roh-und Werkstoff, 63: 64-67.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

J. of Wood & Forest Science and Technology, Vol. 17(1), 2010
www.gau.ac.ir/journals

Determination of the effective criteria on development of Iran furniture industry by analytical hierarchy process

***N. Mohebbi¹, M. Azizi², A. Fathollahzade³ and R. Mohebbi Gargari⁴**

¹M.Sc. Graduated, of Wood and Paper Science and Technology, Tehran University,

²Associate Prof., Dept. of Wood and Paper Science and Technology, Tehran University,

³Ph.D. Student, of Wood and Paper Science and Technology, Tehran University,

⁴M.Sc. Student, of Wood and Paper Science and Technology, Tehran University

Abstract

Furniture production industry is fast growing throughout the world. Each country which can join to this international huge market, can make great evolution in its wood industry sector. The aim of this study is determination of the effective criteria on development of Iran furniture industry using Group Decision Making method. For this purpose, after preliminary investigation and interview with some of the furniture producers and relevant experts, effective criteria were divided into six major groups as well as 29 sub-criteria. After getting experts' opinions via questionnaire, the priority rates of obtained criteria and sub-criteria were determined by Analytical Hierarchy Process (AHP). The results show that economical and regulations criteria have the highest weighting values at the first level. In addition, among 29 effective sub-criteria, improvement of economical stability, reformation of furniture import tariff, development of industrial clusters, creation a competitive opportunity, development of lateral industries and reformation of materials and machines import tariff have highest priorities as 0.160, 0.092, 0.087, 0.067, 0.055, 0.055 weighting values, respectively.

Keywords: Criteria, Group Decision Making, Analytical Hierarchy Process (AHP), Weight values, Furniture industry

* Corresponding Author; Email: mohebbi.nemat@yahoo.com